

ابراهیم سلطان و کتیبه‌نگاری

محمدصادق میرزا ابوالقاسمی^۱

کتیبه‌نگاری، ابراهیم سلطان، تخت جمشید، خدایخانه،

چکیده

مقدمه

ابراهیم‌سلطان، نواده تیمور، خوشنویس و کتیبه‌نگاری توانا بود و از کتیبه‌هایش در بناهای شیراز بسیار یاد کرده‌اند. برخی از این کتیبه‌ها در بناهایی چون دارالصفاء و دارالایتام و بقعه ظهیری بوده است که اکنون آگاهی چندانی از آنها در دست نیست. گویا او کتیبه‌ای هم بر صفة آرامگاه سعدی نگاشته است.

سه یادگاری رقم‌دار از این شاهزاده در کاخ تچر به جا مانده و کمال‌الدین ایناق نیز یادبودی به نام او بر طاقچه اول ایوان همین کاخ نوشته است. با توجه به تاریخ این کتیبه‌ها، ابراهیم‌سلطان در شوال ۸۲۶ق از تخت جمشید بازدید کرده است. کتیبه رقم‌دار و بدون تاریخ او در بقعه علی بن حمزه شیراز متعلق به بنای دیگری است، اما نگارش کتیبه‌های چوبی این بنا را از او می‌دانند. بر طاقنمای غربی ضلع شمالی خدایخانه در مسجد جامع عتیق شیراز نیز نوشته‌ای بدون تاریخ و رقم حک کرده‌اند که ممکن است فرمان تفویض حکومت فارس از جانب شاهرخ به ابراهیم‌سلطان و شاید به قلم همو باشد. کتیبه‌های به جا مانده از ابراهیم‌سلطان به قلم ثلث است.

ابراهیم‌سلطان، فرزند شاهرخ‌میرزا تیموری، در ۲۸ شوال ۷۹۶ق ولادت یافت. او نخستین بار در چهارده سالگی نیابت سلطنت را عهده‌دار شد و در سال ۸۱۲ق به حکومت بلخ و طخارستان تا سرحد کابل و بدخشان رسید و از آن پس، مقام‌های مختلفی در دستگاه تیموریان به او سپردند. اگر چه فرمان تفویض حکومت فارس و توابع آن در ۸۱۷ق به ابراهیم‌سلطان ابلاغ گردید، حکمرانی پایدار او از سال ۸۱۸ق، همزمان با لشکرکشی مجدد شاهرخ و بازستاندن سرحدات فارس از میرزا بایقرا، آغاز شد.^۲

ابراهیم‌سلطان — جز در چند لشکرکشی آن هم برای همراهی پدر — بیشتر اوقات در مقر حکومتش مستقر بود و در آبادانی آن بسیار می‌کوشید. او را به فضل و ادب ستوده و هنرمند و هنرمنددوستش خوانده‌اند. شرف‌الدین علی یزدی کتاب خود، *ظفرنامه*، را به ابراهیم‌سلطان تقدیم کرد و *انیس‌الناس* به نام و برای کتابخانه او تهیه

۱. دانشجوی دوره دکتری پژوهش هنر در دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، Abolqasemi.s@gmail.com
۲. برای آگاهی از شرح احوال ابراهیم‌سلطان، نک: محمدکاظم موسوی بجنوردی (و.). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۲، ذیل «ابراهیم‌سلطان»؛ حسن خوب‌نظر، *تاریخ شیراز*، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران، سخن، ۱۳۸۰، ص ۶۲۵-۶۳۱

پرسش‌های تحقیق

موقعیت و مشخصات کتیبه بناهای برجای مانده از ابراهیم سلطان چگونه است؟

کتیبه‌های منسوب به ابراهیم سلطان و نمونه‌های مفقودشده او با استناد به متون تاریخی کدام است؟

رقم اصیل ابراهیم سلطان در این کتیبه‌ها چیست؟

۳. «در زیبایی خط به غایتی بود که نقل خط قبلة‌الکتاب یا قوت‌المستعصمی نمودی و فرستادی و فروختی و از ناقدان بصیر هیچ کس فرق نیارستی کردن»؛ دولتشاه سمرقندی. تذکره الشعراء، به کوشش ادوارد براون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸.
۴. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳، ص ۳۱.
۵. «و نتایج اقلام برائتلثامش از صفایح اوراق مصاحف و در اوج لطافت دثار و صفحات در و دیوار عمارات و خوانات و مدارس دارالملک شیراز به تخصیص دارالصفاء سلطانی که از متحدثات معمار همت آن سلطان مرحوم است، منظور نظر اعتبار اکابر و اصاغر آمده است»؛ یعقوب بن حسن سراج شیرازی، تحفه المحبین، به کوشش کریمت رعنا حسینی و ایرج افشار، تهران، نقطه، ۱۳۷۶، ص ۱۴۱.
- در «قوانین الخطوط» از طوطی بیگم، مادر ابراهیم سلطان، نیز در مقام بانی دارالصفاء سخن یاد شده است؛ نک: محمود بن محمد، «قوانین الخطوط»، در: نجیب مایل هروی، کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۱.
۶. قاضی احمد قمی، همان، ص ۳۰.
۷. صاحب فارسنامه ناصری پس از توصیف نافرمانی و سرکشی یعقوب خان ذوالقدر در برابر شاه عباس می‌گوید: «و چون به یقین پیوست که پادشاه عادل از خون آن میرزادگان نخواهد گذشت، در اراضی باغ گلشن شیراز که محل نزول پادشاهان بود و به مرور زمان ویرانه گشت، قلعه‌ای در کمال اعتبار بساخت و مدرسه دارالصفاء که از بناهای سلطان ابراهیم میرزا پسر

شد. حافظ ابرو نیز پس از درگذشت بایسنقر میرزا چندی در دربار ابراهیم سلطان آمد و شد می‌کرد. از منشآت ابراهیم سلطان و رساله او در اخلاق و سیاست نیز یاد کرده‌اند. منشور کلاتتری خواجه نصیرالدین مذهب نیز از اسناد شایان توجه هنرمندپروری این شاهزاده تیموری است. همچنین نسخه‌های متعددی را در کتابخانه سلطنتی او در شیراز نگاشته یا نقاشی و تذهیب کرده‌اند.

با این همه، ابراهیم سلطان را بیشتر در خوشنویسی شناخته و ستوده و از حسن خطش در شش قلم یاد کرده‌اند. ثلث‌نویسی او چنان زبانزد است که بارها از همسانی قلم او با یاقوت سخن گفته و گاه تشخیص این دو را از هم ناممکن دانسته‌اند.^۳ مصحف‌های مرقوم این شاهزاده در موزه پارس شیراز، موزه آستان قدس، و موزه متروپولیتن، گواه قوت قلم او در کتابت است.

ابراهیم سلطان در کتیبه‌نگاری نیز دستی توانا داشت. نویسنده گلستان هنر در توصیف کتیبه‌های متعدّدش بر در و دیوار شیراز چنین آورده است:

حکایت کنند که خوش‌طبعی سمرقندی از شیراز، در سمرقند به خدمت میرزا شاهرخ رسید. وی از احوال میرزا سلطان ابراهیم استفسار نمود. آن شخص از کمالات میرزا، خصوصاً مباحثات علمی و مشق خط، نقل بسیار نمود و آخر سخن را بدان منتهی ساخت که میرزا بر در و دیوار شیراز «کُتبه سلطان ابراهیم» نوشته که تجنیس «کتبه» است. میرزا شاهرخ را بسیار خوش آمد و حقیقت به میرزا سلطان ابراهیم نوشت.^۴

دارالصفاء و دارالایتام از مهمترین این بناهاست. ابراهیم سلطان، که گویا خود بانی این دو مجموعه بود، کتیبه‌هایی بر بدنه آنها نگاشت.^۵ همچنین کتیبه در بقعه ظهیری (ظهیریه) به قلم ابراهیم سلطان بوده است.^۶

کتیبه صفا آرامگاه سعدی

دارالصفاء و دارالایتام در ۹۹۸ق به فرمان یعقوب خان ذوالقدر ویران شد و مصالح آن را در تعمیر قلعه‌ای در اراضی گلشن شیراز به کار گرفتند.^۷ از کتیبه بقعه ظهیری نیز آگاهی چندانی جز اخبار گلستان هنر در دست نیست؛ اما قاضی احمد از کتیبه ابراهیم سلطان در صفا آرامگاه سعدی یاد کرده و متن آن را آورده است. این کتیبه از جنس کاشی است و آن را به شیوه معرق (کاشیتراش) بر ازاره بنا اجرا کرده‌اند.^۸ متن کتیبه چنین است:

ت ۱. کتیبه ابراهیم سلطان در بقعه علی بن حمزه، مدخل ورودی از جانب صحن، قلم ثلث، حجاری، شیراز، سده نهم هجری، عکس از نگارنده، ۱۳۸۷ش.



به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
نه فلک راست مسلم نه ملک را حاصل
آنچه در سر سویدای بنی آدم از اوست
شادی و غم بر عارف چه تفاوت دارد
ساقیا باده بده شادی آن کاین غم از اوست
پادشاهی و گدایی بر ما یکسان است
که بدین در همه را پشت اطاعت خم از اوست
سعدیا گر بکند سیل فنا خانه عمر
دل قوی دار که بنیاد بقا محکم از اوست

از این کتیبه، همچون کتیبه‌های دارالصفاء و دارالایتام، اثری باقی نیست،^۹ اما در تعمیرات سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۱ش در محوطه آرامگاه، بخشی از کتیبه درگاه رباط را کشف کرده‌اند که به قلم ثلث و حاوی ابیاتی از سعدی است.^{۱۰} هر چند علی سامی این کتیبه را از همان دوره (قرن نهم) می‌داند، نباید قدمتی بیش از زندیه — یا حداکثر صفویه — داشته‌باشد.^{۱۱}

کتیبه بقعه میر علی بن حمزه (ع)

از جمله کتیبه‌های به جا مانده از ابراهیم سلطان، کتیبه رقم‌دار بقعه میر علی بن حمزه است. این بنا از آثار دوره عضدالدوله دیلمی و گور خاندان بویه بوده است. بقعه و گنبد کنونی حاصل مرمت‌های اخیر بناست. بخشی از مرمت‌های دوره قاجار هم

که به همت حسین علی میرزا فرمان‌فرما انجام گرفته، همچنان پابرجاست. صحن میر علی بن حمزه رو به جنوب و کتیبه ابراهیم سلطان بر فراز مدخل از جانب صحن، در ارتفاع ۳/۳ متری از کف واقع است. این کتیبه را بر سنگی سرخفام به ابعاد ۲۴۰×۷۰ سانتیمتر حجاری کرده‌اند. سراسر زمینه را با نقوش گیاهی آراسته‌اند و متن روی این نقوش قرار گرفته است. کتیبه به قلم ثلث و متن آن چنین است:^{۱۲}
قیل لابرهم علیه‌السلام: بما اتخذک الله خلیلا قال ما تغدیت و ما تعشیت الا مع الضیف / کتبه ابرهیم سلطان.

این نوشته بر دو خط کرسی سوار است؛ اما واژه «مع» روی هیچ‌یک از کرسی‌ها نیست. مطابق شیوه رایج ثلث‌نویسی در کتیبه‌نگاری، کشیده‌های عمودی فضای عرضی کتیبه را پیموده و تراکم حروف در کرسی دوم کم است. رقم کاتب به حالت عمودی در جانب چپ کتیبه جا گرفته است. کتیبه را رنگ کرده و با حفاظی شیشه‌ای پوشانده‌اند (ت ۱).

علی سامی این کتیبه را متعلق به مضافخانه ابراهیم سلطان در حوالی بقعه علی بن حمزه دانسته است.^{۱۳} این نظر پذیرفتنی است. هر چند از موقعیت و ویژگی بناهای ابراهیم سلطان آگاهی چندانی در دست نیست، در وقفنامه قرآنی در موزه شاه‌چراغ، محل دارالصفاء را خارج دروازه اصطخر نوشته‌اند. این قرآن پاره پنجاهم از مصحفی شصت‌پاره است که به قلم نسخ و ضمائم آن به خط ثلث نوشته و در ۸۲۹ق به نام ابراهیم سلطان بر خانقاه

میرزا شاهرخ پسر حضرت صاحبقران امیر تیمور گورکان بود و عمارت دارالایتام و زاویه صوفی خلیل را خراب کرده سنگ و آجر آنها را برای تعمیر قلعه برد؛^{۱۴} میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۳۳.

۸. قاضی احمد قمی، همان، ص ۳۰.
۹. کارستون نیبور که در ۱۷۶۵م از آرامگاه سعدی بازدید کرده است، می‌گوید: «این آرامگاه در حال ویرانی است و اگر به زودی مسلمانی به تجدید بنای آن همت نکمارد، به کلی ویران خواهد شد. در اینجا به خوبی با طرز نوشتن روی دیوار آشنا شدم. حروف را از سفال می‌برند و بعد آن را می‌پزند و بعد روی آن لعابی به رنگ سنگ‌نیشته‌های تخت‌جمشید هستند که در سنگ سخت کنده شده‌اند. اما چون این کتیبه‌ها از سفال هستند و آنها را با گچ به دیوار چسبانیده‌اند، در مقایسه با سنگ‌نیشته‌های عهد باستان کم‌دوامتر هستند. در آرامگاه سعدی در بیشتر جاها گچ دیوار به همراه گچ کتیبه‌ها ریخته بود و تمام این گچ‌ها و کتیبه‌ها روی زمین پای دیوارها پراکنده بود؛^{۱۵} کارستون نیبور، سفرنامه نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا، ۱۳۵۴، ص ۱۵۳. یعقوب

آزند در شرح آثار ابراهیم سلطان، از کتیبه آرامگاه سعدی یاد کرده است. تاریخ کتیبه ۸۳۵ق و مکان نگهداری فعلی آن آرامگاه سعدی است (یعقوب آژند، مکتب نگارگری هرات، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷، ص ۴۴۲)؛ اما چنین کتیبه‌ای در آرامگاه سعدی نیست. احتمالاً منظور همین کتیبه صفة آرامگاه بوده که در گلستان هنر از آن یاد شده است.

۱۰. علی سامی و علی نقی بهروزی هر دو از این کتیبه یاد کرده‌اند. بخشی از این کتیبه را در محل مجرای قنات سعدی در آرامگاه نصب کرده‌اند. متن کتیبه چنین است:

ت ۲. (چپ) مهر دارالصفای سلطانی بر قرآنی محفوظ در موزه شاه چراغ.

ت ۳. (پایین) کتیبه‌های در بقعه علی بن حمزه، منسوب به ابراهیم سلطان، قلم ثلث، حجاری، سده نهم هجری، عکس از نگارنده، ۱۳۸۷ش.

دارالصفای سلطانی شیراز وقف شده است. همچنین بر دو صفحه این قرآن مهر مجموعه دارالصفای با سجع «وقف دارالصفای سلطانی بشیراز» مشهود است^{۱۴} (ت ۲).

کرامت‌الله افسر از مجموعه بناهای ابراهیم سلطان چون دارالصفای و دارالایتم اظهار بی‌اطلاعی کرده، اما صاحب مجمل فصیحی طرح بنیاد مدرسه دارالصفای را در ضمن وقایع ۸۲۳ق آورده و محل آن را «سر پل چکنم» نوشته است.^{۱۵} این پل به احتمال بسیار همان «پل چکنم» باشد که در تذکره هزار مزار ضمن احوال «خاتون مادر محمد» از آن سخن رفته و در شد الازار نیز «درب اصطخر» عنوان شده است.^{۱۶} حوالی بقعه علی بن حمزه محل دروازه اصطخر است و برخی محل دقیق آن را دروازه اصفهان فعلی می‌دانند. از این رو، گفته علی سامی درباره کتیبه ابراهیم سلطان در بقعه علی بن حمزه درست می‌نماید و



باید آن را متعلق به یکی از همین مجموعه بناها دانست که پس از ویرانی کتیبه‌اش را انتقال داده‌اند.

درگاه بقعه علی بن حمزه در جانب غربی است و با دهلیزی به صحن راه می‌یابد. در چوبی این درگاه نیز از آثار دوره تیموریان است. اگر چه چندین در قدیمی و نه چندان قدیمی دیگر در داخل بنا و شاهنشین دیده می‌شود، نقش و شیوه کنده‌کاری در ورودی متفاوت و قدیمی‌تر است. این در، دارای دو لنگه و ابعاد هر لنگه آن ۲۵۰×۸۰ سانتیمتر است. در چوبی بقعه میرعلی بن حمزه (ع) تونکدار است و هر لنگه متشکل از سه تونک و به نقوش و کتیبه‌ای آراسته است. قاب میانی بزرگتر است و نقش - مایه گیاهی روی آن را به شکلی برجسته کنده‌کاری کرده‌اند. این نقش بر هر دو لنگه یکسان و قاب بالای هر یک مزین به کتیبه‌ای منسوب به ابراهیم سلطان است.

قاب اول: «الا کل شی ما خلا الله باطل».

قاب دوم: «و کل لا نعیم محاله زایل».

کتیبه منسوب به ابراهیم سلطان روی هر لنگه به ضلع چهل سانتی‌متر است و با قلم ثلث بر دو کرسی استوار است. درها را رنگ کرده و در محفظه‌ای شیشه‌ای گذاشته‌اند (ت ۳).

مهدی بیانی در شرح احوال و آثار ابراهیم سلطان، از کتیبه رقم‌دار او به قلم ثلث در آستانه سیدعلاءالدین حسین (ع) یاد کرده است.^{۱۷} اما چنین کتیبه‌ای اصلاً وجود ندارد. توصیف و رقم کتیبه ابراهیم سلطان در بقعه علی بن حمزه، درست همانی است که مهدی بیانی آن را کتیبه «میرعلاءالدین» پنداشته است. او کتیبه علی بن حمزه را جزو آثار ابراهیم سلطان نوشته است. از طرفی دیگر، هیچ‌یک از محققان و فارسی‌نویسان صاحب‌نامی که به توصیف آثار و بناهای شیراز پرداخته‌اند، از چنین کتیبه‌ای یاد نکرده‌اند. به نظر می‌رسد مهدی بیانی محل کتیبه ابراهیم سلطان را در بقعه علی بن حمزه به خطا در آستانه سیدعلاءالدین حسین (ع) گفته است.

به پیران پشت از عبادت دوتا
 ز شرم گنه دیده بر پشت پا
 به صدق جوانان نوحاسته به طاعات
 پیران آراسته
 و بیستی که به ثلث جلی در میان کتیبه
 حک کرده‌اند، چنین است:
 خدایا به عزت که خوادم مکن
 به دل گنه شرمسارم مکن (علی نقی
 بهروزی، بناهای تاریخی و آثار هنری

ت ۴. کتیبه‌ای با رقم
 «ابرهیم سلطان بن شاهرخ»،
 ایوان کاخ تجر، ضلع غربی،
 ستون اول، ۸۲۶ق، عکس از
 نگارنده، ۱۳۸۷ش.

هر بیت در سطری گنجانده شده و در سطر ششم رقم کاتب
 و تاریخ کتیبه جای گرفته است. ابیات دوم و پنجم نیز با گفته
 سعدی در بوستان متفاوت است.^{۱۹} این کتیبه در ارتفاع ۲/۷
 متری از کف واقع و هر سطر بر کرسی واحدی است. چندین
 کلمه مانند «تخت» و «دست» در سطر دوم، «رفت» در سطر
 چهارم، و «سنه» و «ست» در سطر آخر بر پایه کرسی قرار ندارد
 و در جاهایی کشیده‌های معکوس «ی» بالای کرسی نشسته
 است (ت ۴).

بر پنجره دوم ایوان کاخ نیز کتیبه‌ای به قلم ابراهیم سلطان
 با متن زیر رقم خورده است:

الله الباقی / کتبه ابرهیم سلطان بن شاهرخ / فی سنه / ۸۲۶.
 «الله الباقی» در کتیبه دوم به قلم ثلث جلی بر پایه دو
 کرسی نوشته شده و کشیده معکوس «ی» در «الباقی»، کرسی

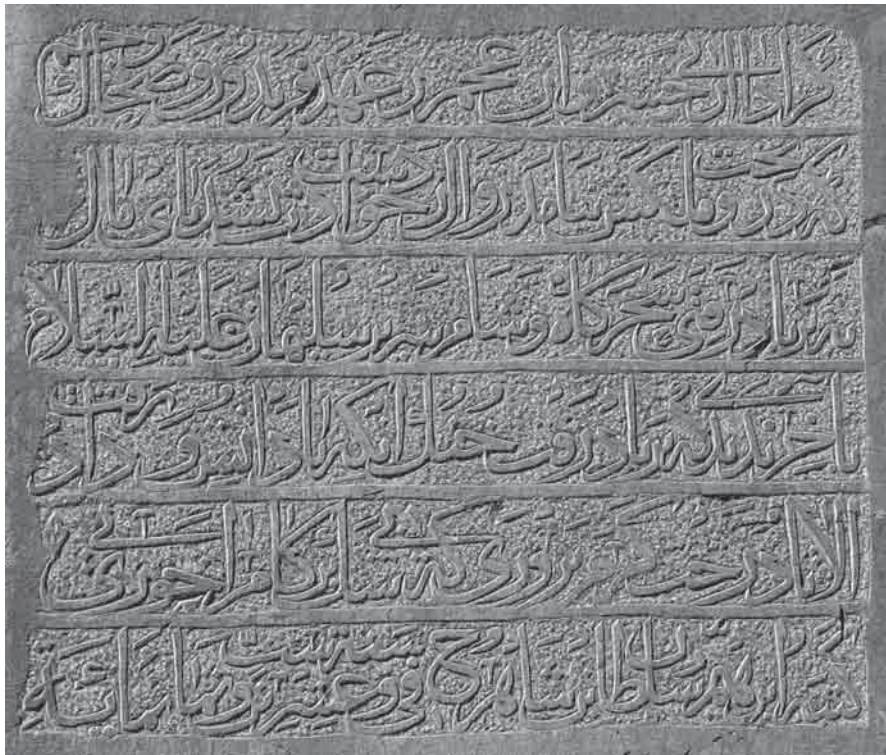
کتیبه‌های کاخ تجر

کاخ تجر، از مهمترین بناهای محوطه تخت جمشید، در جنوب
 غربی کاخ آپادانا واقع است. این بنا، که به کاخ آینه و کاخ
 داریوش نیز شناخته است، مشتمل بر تالاری مرکزی و ایوانی
 در سمت جنوبی است. درگاه‌ها و طاقچه‌های متعددی در ایوان
 کاخ تعبیه کرده‌اند که از سنگ‌های صیقل خورده و تراشیده
 تشکیل شده است. این مکان جایگاه یادمان نویسی و یادبود-
 نگاری رهگذران و بازدیدکنندگان تخت جمشید بوده است.
 بیشتر یادبودها را بر بدنه پنجره و طاقچه‌ها حک کرده‌اند که از
 مهم‌ترین آنها می‌توان کتیبه‌های عضدالدوله دیلمی، ابوکالیجار،
 ابواسحاق اینجو (به قلم یحیی صوفی)، خاندان مظفر، و علی بن
 سلطان خلیل را نام برد. ابراهیم سلطان نیز سه کتیبه را در این
 کاخ نوشته و رقم زده است. این یادمان‌ها به قلم ثلث و نشان
 حضور او در تخت جمشید است.^{۱۸} یادمان نخست ابراهیم سلطان
 را در ضلع غربی ایوان کاخ، زیر کتیبه میخی حک کرده‌اند. این
 کتیبه دارای شش سطر و حاوی ابیاتی از سعدی است:

کرا دانی از خسروان عجم
 ز عهد فریدون و ضحاک و جم
 که در تخت و ملکش نیامد زوال
 ز دست حوادث نشد پای‌مال
 نه بر باد رفتی سحرگاه و شام
 سریر سلیمان علیه‌السلام
 بآخر ندیدی که بر باد رفت
 خنک آنکه با دانش و داد رفت
 الا تا درخت کرم پروری
 که بیشک بر کامرانی خوری

کتبه ابرهیم سلطان بن شاهرخ فی سنه ست و عشرين و

ثمانمائه.



جلگه شیراز، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر فارس، ۱۳۵۴، ص ۲۷. علی سامی، شیراز شهر جاویدان، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۶۳، ص ۲۲۷.

۱۱. سامی، همان جا.

۱۲. پیش از این متن کتیبه را کسانی چون علی سامی و علینقی بهروزی خوانده‌اند. در دانشنامه آثار تاریخی فارس کلمه «تعشیت» را «تشیع» نوشته‌اند. بهروزی نیز متن کتیبه را ناقص خوانده و عبارت «علیه السلام» را نیاورده است. تقریباً همه «کتاب ابراهیم سلطان» را «کتاب ابراهیم سلطان» نوشته‌اند. از طرفی، طول کتیبه را سه متر و عرض آن را هشتاد سانتیمتر گفته‌اند؛ مثلاً نک: کوروش کمالی سروستانی، دانشنامه آثار تاریخی فارس، شیراز، دانشنامه فارس، ۱۳۸۴، ص ۶۵؛ بهروی، همان، ص ۱۷۱.

۱۳. سامی، همان، ص ۵۸۴.

۱۴. مهدی صحراگرد، «ابراهیم سلطان، بانی مجموعه دارالصفای شیراز»، در: گلستان هنر، ش ۱۳ (بایز ۱۳۸۷)، ص ۹۰-۹۳.

۱۵. کرامت‌الله افسر، تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳، ص ۱۲۴؛ احمد بن محمد فصیح خوافی، مجمل فصیحی، به کوشش محمود فرخ، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۲۴۴.

۱۶. عیسی بن جنید شیرازی، تذکره هزار مزار، به تصحیح و تحشیه

ت ۵. «الله الباقی کتبه

ابراهیم سلطان بن شاهرخ سنه ۸۲۶»، ایوان کاخ تچر، پنجره دوم، عکس از نگارنده، ۱۳۸۷ ش.

دوم را شکل داده است. بخشی از مفرد «ل» اول «الله» آسیب دیده است. رقم و تاریخی مشابه کتیبه نخست اما به خطی خفیفتر در زیر عبارت دیده می‌شود. چارچوب کتیبه را کاملاً بر اساس نوشته تنظیم کرده‌اند، چنان که شکل منظمی ندارد و صرفاً دور متن را خالی کرده‌اند (ت ۵).

یادبود سوم ابراهیم سلطان نیز چون دو کتیبه دیگر به تاریخ ۸۲۶ ق است. این کتیبه سه سطر است و هر سطر قاب‌بندی مجزا دارد. بیتی از متنی، شاعر قرن چهارم هجری، در آن گنجانده و رقم ابراهیم سلطان و تاریخ کتیبه در سطر آخر نوشته شده است. عرض قاب هر سه کتیبه ۵ سانتیمتر و طول هر یک نزدیک به ۲۰ سانتیمتر است (ت ۶). این کتیبه را در پنجره چهارم ایوان کاخ حک کرده‌اند و متن آن چنین است:

«این الاکاسرة الجبابرة الاولى



کنزوا الكنوز فما بقین و مابقوا»

کتبه [ابراهیم] سلطان بن شاهرخ فی سنه ۸۲۶.

دو یادگاری دیگر به تاریخ ۸۲۶ ق در پنجره اول و دوم ایوان کاخ حک کرده‌اند که متعلق به پدر و پسری است. محمدعلی مخلصی با توجه به همزمانی حضور بانیان این دو کتیبه و بازدید ابراهیم سلطان از تخت جمشید، آنان را از جمله هنرمندان و علمای ملازم رکاب شاهزاده تیموری دانسته است.^{۲۰} نشانه‌ای قطعی برای رد یا تأیید این احتمال وجود ندارد؛ چرا که متن این دو کتیبه فاقد نام و نشان ابراهیم سلطان است.^{۲۱} غالباً هنرمند در نگارش چنین یادبودهایی، از حامی و ولی نعمت خود با نام و القاب یاد و او را معرفی می‌کند؛ چنان که کمال‌الدین ایناق چنین کرده است:

بتاریخ شوال سنه ست و عشرین و ثمانمائه که رایات نصره شعار بندگی حضره خلافت پناه پادشاه جهان / عدل خواقین ایران و توران مغیث الحق و السلطنه و الدنيا و الدین ابو الفتح ابراهیم [سلطان] خلد الله ملکه و سلطانه / این محل رفیع و مکان منیع را مضارب خیام دولت و مراکز اعلام سلطنت گردانیدند کمترین بندگان / علی الاطلاق کمال‌الدین ایناق عفا الله عنه که از بندگان درگاه است بکتابت این حروف شرف استسعاد یافت /

غرض نقشی است کز ما بازماند

که هستی را نمی‌بینم بقایی

مگر صاحب‌دلی روزی بخواند

کند در کار درویشان دعایی

یادبودی را که به نام ابراهیم سلطان در طاقچه اول تالار کاخ تچر حک کرده‌اند، به قلم ثلث و در پنج سطر است. این کتیبه با تاریخ آغاز و ماه حضور ابراهیم سلطان در تخت جمشید در آن مشخص شده است. نام ابراهیم سلطان در سطر دوم جای گرفته است. با آنکه تقریباً تمام متن سالم است، نام شاهزاده تیموری آسیب دیده است (ت ۷). در کتیبه‌ای هم که بر پنجره چهارم ایوان کاخ حک کرده‌اند، واژه «ابراهیم» آسیب دیده و ناپیدا است.

دکتر نورانی وصال، شیراز، کتابخانه احمدی، ۱۳۶۴، ص ۳۹۸.
۱۷. مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۳۶۳ و

ت ۶ (پایین) کتیبه‌ای در سه قاب مجزا با رقم «ابرهیم سلطان بن شاهرخ»، ایوان کاخ تچر، پنجره چهارم، ۸۲۶ق.
ت ۷. (پایین صفحه) کتیبه‌ای به نام ابراهیم سلطان به قلم «کمال‌الدین ایناق»، ضلع غربی تالار کاخ تچر، طاقچه اول.

شایان ملک و سزاوار سریر سلطنت است، پیش تخت فرقدسای رسید، حضرت سلطنت‌شعاری [...] حکومت و سلطنت ممالک فارس و مضافات و منسوبات آن بدو مفوض گردانید.^{۲۵}

بر طاقنمای غربی دیوار ضلع شمالی خدایخانه در مسجد جامع عتیق شیراز متنی را مشتمل بر فرمان تفویض حکومت فارس و توابع از جانب پادشاه به شخصی کتیبه کرده‌اند. بخش پایانی کتیبه از میان رفته و تاریخ یا نام و نشانی از سلطان و والی ندارد. آنچه مانده، چنین است (ت ۱۰):

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى / خصوصاً على اشرف الرسل و قدوة الاصفيا محمد و آله الطيبين و صحبه و الذين / اتبعوا هم باحسان الى يوم الدين و بعد بنا بر امتثال فرمان واجب الاذعان ان الله / يامر بالعدل و الاحسان درين ايام خجسته فرجام که اوضاع روى زمين بر طبق

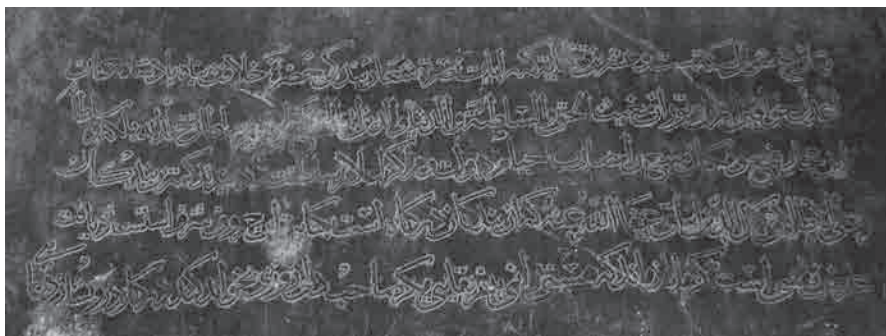
مضمون کتیبه گویاست که کمال‌الدین ایناق از هنرمندان و همراهان ابراهیم سلطان در کاخ تچر بوده است. فرصت‌الدوله در آثار عجم متن این کتیبه را با خطایی چند آورده است. از جمله در سطر نخست «رایات نصره شعاع بندگی حضره» را «رایات نصرت آیات بندگان حضرت» نوشته و «که» پیش از «رایات» را نیآورده است. در سطر دوم «خواقین» را «خوانین»، «مغیث» را «معین»، «سلطان» را «سلطنه»، در سطر سوم «گردانیدند» را «گردانید»، و در سطر چهارم «عفاله» را «عفیاله» و «شرف استسعاد» را «شرف استفادت» نوشته است. بیت دوم در سطر آخر نیز با آنچه در کتیبه آمده مطابق نیست.^{۲۳}

کارستون نیبور نیز این کتیبه را رونگاری و در تشخیص عبارت «نصره شعاع بندگی» و «مغیث‌الحق» اشتباه کرده است (ت ۸). در رونگاری نیبور از کتیبه نخست ابراهیم سلطان در کاخ تچر نیز چند اشتباه دیده می‌شود. از جمله «و» میان «تخت و ملک» و «سحرگاه و شام» را ندارد، «نه بر» را در ابتدای بیت سوم سر هم و به صورت «نبر» نوشته است، «که در تخت» را «که بر تخت»، و «ثمانمائه» را «ثمانمائه» ضبط کرده است. رقم کتیبه را «ابراهیم سلطان» نوشته در حالی که «ابرهیم سلطان» درست است.^{۲۳} (ت ۹). دیگران نیز چنین اشتباهی کرده‌اند. رقم ابراهیم سلطان در هر سه کتیبه کاخ تچر یکسان است و نامش به صورت «ابرهیم سلطان» آمده است. رقم او در کتیبه میرعلی بن حمزه هم چنین است. مهدی بیانی نیز نام ابراهیم سلطان را در رقم آثار اصیل او به همین شیوه بدون الف دوم دیده و نوشته است.^{۲۴}

خدایخانه در مسجد جامع عتیق شیراز

حافظ ابرو درباره تفویض حکومت فارس و توابع آن از جانب شاهرخمیرزا به ابراهیم سلطان آورده است:

چون به موجب مثال واجب‌الامتثال امیر و امیرزاده اعظم، [...] ابراهیم سلطان خلد الله ملکه که به علو همت و عقیدت پاک



ت ۸. (چپ) رونگاری کارستون نیبور از کتیبه‌ای به نام ابراهیم سلطان با قلم کمال‌الدین ایناق، ماخذ: نیبور، ص ۲۴۲.
ت ۹. (پایین) رونگاری کارستون نیبور از کتیبه نخست ابراهیم سلطان در کاخ تچر، ماخذ: نیبور، ص ۲۴۱.

ج ۴، ص ۱۰۱۴.

۱۸. محمدتقی مصطفوی یادمان‌هایی را که به نام ابراهیم سلطان در کاخ تچر ضبط کرده، همه را، جز یکی، به قلم نسخ دانسته است. محمدعلی مخلصی نیز این خطا را تکرار کرده و سه کتیبه از این چهار یادمان را به خط نسخ دانسته است. او همچنین تاریخ یادمان سوم ابراهیم سلطان را به خط ۸۲۹ق ذکر کرده است؛ نک: محمدتقی مصطفوی، اقلیم پارس، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۴۸؛ محمدعلی مخلصی، پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تحت

E

بنارخ شوال سنه ست و عشرین و ثمانیه و ایات نصرت ایات بندگان حضرت خلافت پناه پادشاه جهان
اهدل خواقین ایران و توران معین الحق و المظننه و الذین ابوالفتح ابراهیم سلطان خلد الله بلكه و سلطانه
این محل رفیع و مکان منبع و مضارب خیمام دولت و مراکز عالم سلطنت گردانید که مرتین بندگان علی الاطلاق
کمال‌الدین ایناق عفا الله عنه که از بندگان درگاه است بکلمات این حروفش فرستسعاد یافت
عرض نشیست که از بنا و بناوند که هستی را غمی بدیم بغائی که صاحب بی روزی ز رحمت کند و خود در پیشان

ورودی شمالی بنا نصب است که رقم «کتبه پیرمحمد»^{۳۷} دارد. از آنجا که از مرمت‌های ابراهیم سلطان در مسجد جامع عتیق سخن رفته است،^{۳۸} ممکن است چنین کتیبه‌هایی را به فرمان او در دیوار خدایخانه نصب کرده باشند.^{۳۹} احتمالاً کتیبه رقمدار پیرمحمد و کتیبه طاقنمای غربی مربوط به یک زمان است. هر چند کتیبه طاقنمای غربی بدون رقم و تاریخ است و برای یافتن کاتب آن نشانی در دست نیست، احتمال اینکه متن این کتیبه فرمان حکمرانی ابراهیم سلطان بر فارس یا حتی به قلم او باشد، بسیار است.

نتیجه

شاهزاده ابراهیم سلطان از سال ۸۱۷ق تا پایان عمر (۸۳۸ق) عهده‌دار حکومت فارس بود. روزگار را بیشتر در شیراز گذراند و گویا پس از وفات در مدرسه دارالصفا به خاک رفت. در خارج از قلمرو حکومتش کتیبه‌ای از او دیده نشده و تاریخ‌نگاران هم به آن اشاره‌ای نکرده‌اند؛ اما از کتیبه‌های متعدد او بر در و دیوار بناهایی چون دارالصفا و دارالایتم در شیراز بسیار گفته‌اند. از این میان، تنها کتیبه سنگی بقعه علی بن حمزه و سه یادمان کاخ تچر با رقم او همچنان باقی است.

D

که از انکس خزان
که بر تخت ملکش بنزد
نبر بادشهر شاه شام
با خند بید که بر باد رفت
الان درخت کرم و درخت
کنند بر خطابش هر غمی نیستند و عیش و شاداناید
عهد فیدون و فغان
ز دست سوار شد پای مال
سر بر ویلیان علی التکاه
خند آنکه باد انشور گرفت
که بیشک بر کامرانی خوری

ت ۱۰. (راست و پایین) کتیبه طاق‌نمای دیوار شمالی خدای‌خانه در مسجد جامع عتیق شیراز، قلم ثلث، حجاری، احتمالاً سده ۹ هـ.

جمشید، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰.

۱۹. که بر تخت و ملکش نیامد زوال
نماند به جز ملک ایزد تعال
الا تا درخت کرم پروری

گر امیدواری کزو بر خوری
مخلصی، همان، ص ۱۴۵-۱۴۶.

۲۱. متن کتیبه‌ها چنین است:
«کتبه الفقیر الی الله / المنجی شیخ
محمد بن الحاج / محمد التبریزی
المملانی المشرجی / رحم الله من دعا
له بالرحمة فی سنة ۸۲۶».

«الله الباقی و کل شی / هالک الا
وجهه له / الحکم و الیه ترجعون /
کتبه علی بن شیخ محمد التبریزی /
سنه ست و عشرين و ثمانمائه /
الهجریه».

۲۲. محمدنصیر فرصت‌الدوله
شیرازی، آثار عجم، به تصحیح
منصور رستگار فسایی، تهران،
امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸۵.

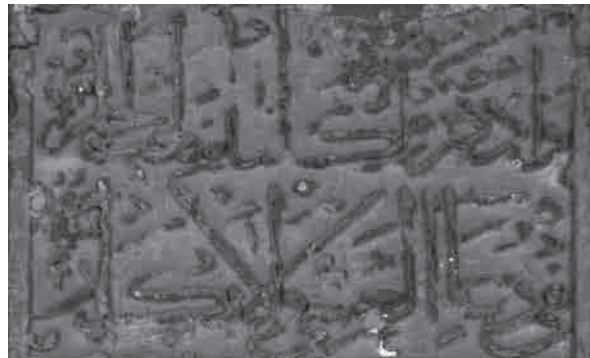
۲۳. رونگاری‌های کارستون نیبور در
ویژگی‌های خوشنویسی و ترکیب،
چندان قرابتی با یادمان‌های مربوط
در کاخ تچر ندارد.

۲۴. بیانی، همان، ج ۳، ص ۱۳۶۳ و
ج ۴، ص ۱۰۱۴.

۲۵. حافظ ابرو، زبده التواریخ، به
تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی،
تهران، توکا، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۵۵۹.

۲۶. قاضی احمد قمی، همان،
ص ۲۴.

۲۷. گویا پیرمحمد شیرازی استاد
خوشنویسی ابراهیم‌سلطان بوده



کتیبه سنگی بقعه میرعلی بن حمزه متعلق به بنایی دیگر است. ممکن است این کتیبه متعلق به مدرسه دارالصف باشد که در نزدیکی بقعه علی بن حمزه احداث شده بود. کتیبه‌ای که مهدی بیانی با رقم ابراهیم‌سلطان در آستانه سیدعلاءالدین حسین ذکر کرده هم به احتمال زیاد همان کتیبه بقعه علی بن حمزه است. این کتیبه بدون تاریخ است، اما تاریخ یادگاری‌های ابراهیم‌سلطان در کاخ تچر ۸۲۶ق است.

کتیبه طاقنمای غربی دیوار شمالی خدایخانه در مسجد جامع عتیق شیراز را — با توجه به کتیبه رقم‌دار پیرمحمد، استاد ابراهیم‌سلطان، در همان دیوار — می‌توان فرمان تفویض حکمرانی او بر فارس و توابع دانست که از جانب پدرش شاهرخ‌میرزا صادر شده است. شاید این کتیبه به قلم ابراهیم‌سلطان باشد.

کتاب‌نامه

آزند، یعقوب. مکتب نگارگری هرات، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.

افسر، کرمانشاه. تاریخ بافت قدیمی شیراز، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.

بهریزی، علی‌نقی. بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، شیراز، اداره کل فرهنگ و هنر فارس، ۱۳۵۴.

بیانی، مهدی. احوال و آثار خوشنویسان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳، ج ۳ و ۴.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله. زبده التواریخ، به تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران، توکا، ۱۳۵۴، ج ۲.

خواندمیر، غیاث‌الدین. تاریخ حبیب‌السیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام، ۱۳۳۵.

خوب‌نظر، حسن. تاریخ شیراز، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران، سخن، ۱۳۸۰.

دولتشاه سمرقندی. تذکره الشعراء، به کوشش ادوارد براون، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.

سامی، علی. شیراز شهر جاویدان، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۶۳.

_____ . «یادبود دیدار پادشاهان از تچر، کاخ داریوش بزرگ»، در: هنر و مردم، ش ۱۴۸ (بهمن ۱۳۵۳)، ص ۲-۱۲.

- سراج شیرازی، یعقوب بن حسن. *تحفه‌المحبین*، به کوشش کرامت رعنا حسینی و ایرج افشار، تهران، نقطه، ۱۳۷۶.
- صحراگرد، مهدی. «ابراهیم‌سلطان، بانی مجموعه دارالصفای شیراز»، در: *گلستان هنر*، ش ۱۳ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۹۰-۹۳.
- عیسی بن جنید شیرازی. *تذکره هزار مزار*، به تصحیح و تحشیه دکتر نورانی وصال، شیراز، کتابخانه احمدی، ۱۳۶۴.
- فرستالدوله شیرازی، محمدنصیر. *آثار عجم*، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ج ۲.
- فصیح خوافی، احمد بن محمد. *مجله فصیحی*، به کوشش محمود فرخ، مشهد، کتابفروشی باستان، ۱۳۳۹، ج ۲.
- قاضی احمد قمی. *گلستان هنر*، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳.
- کمالی سروستانی، کوروش. *دانشنامه آثار تاریخی فارس*، شیراز، دانشنامه فارس، ۱۳۸۴.
- مایل هروی، نجیب. *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- مخلصی، محمدعلی. *پژوهشی در کتیبه‌های دوران اسلامی تخت جمشید*، تهران، میراث فرهنگی، ۱۳۸۴.
- مصطفوی، محمدتقی. *اقلیم پارس*، تهران، انجمن مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲.
- موسوی بجنوردی، محمدکاظم (و.). *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۲.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق. «کتیبه پیرمحمد شیرازی در مسجد جامع عتیق شیراز»، در: *گلستان هنر*، ش ۱۳ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۹۴-۹۶.
- میرزا حسن حسینی فسایی. *فارسنامه ناصری*، به تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲، ج ۱.
- نیبور، کارستون. *سفرنامه نیبور*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا، ۱۳۵۴.

است؛ برای آگاهی بیشتر از احوال این هنرمند، نک: محمدصادق میرزا ابوالقاسمی، «کتیبه پیرمحمد شیرازی در مسجد جامع عتیق شیراز»، در: *گلستان هنر*، ش ۱۳ (پاییز ۱۳۸۷)، ص ۹۴-۹۶.

۲۸. مثلاً نک: فرصت‌الدوله شیرازی، همان، ج ۲، ص ۷۲۱. صاحب گلستان هنر خداخانه را از بناهای احدای ابراهیم‌سلطان و حجره او در مسجد جامع عتیق شیراز دانسته است؛ قاضی احمد قمی، همان، ص ۲۴.

۲۹. برای آگاهی بیشتر، نک: میرزا ابوالقاسمی، همان، ص ۹۴-۹۶.